

با مردم

شغل قالیبافی در حال مهجور شدن است حدود ۲۰درصد صادرات ایران فرش دستبافت بود اکنون به یک پنجم همان ۲۰درصد رسیده است. کمتر مشتری را تعدیل کرده‌اند و سفارشی هست و کارگاه‌های بزرگ قالیبافان خود کسی نیست که به آنها سفارش بدهد. در این میان هند میدان را به‌دست گرفته و به سادگی فرش‌های دستبافت هندی با طرح‌های ایرانی در جهان عرضه می‌شوند. این روال مختص چند سال اخیر نیست و از سال ۷۸به بعد قالیبافی هر سال رویه افول بوده است این یعنی موضوع ربطی به تحریم‌ها و چند سال اخیر ندارد. با این اوضاع بسیاری افراد بیگار شده و این شغل کم کم مهجور شده و میلیون‌ها دلار ارزش افزوده صادرات فرش نیز از دست می‌رود. به داد قالیبافی و شافلان آن برسید.

شغل قالیبافی در حال مهجور شدن است صادرات فرش دستبافت بسیار کاهش یافته و در حالی که قبلا حدود ۲۰درصد صادرات ایران فرش دستبافت بود اکنون به یک پنجم همان ۲۰درصد رسیده است. کمتر مشتری خارجی و سفارشی هست و کارگاه‌های بزرگ قالیبافان خود را تعدیل کرده‌اند و اشخاص نیز کمتر سفارش می‌گیرند یعنی کسی نیست که به آنها سفارش بدهد. در این میان هند میدان را به‌دست گرفته و به سادگی فرش‌های دستبافت هندی با طرح‌های ایرانی در جهان عرضه می‌شوند. این روال مختص چند سال اخیر نیست و از سال ۷۸به بعد قالیبافی هر سال رویه افول بوده است این یعنی موضوع ربطی به تحریم‌ها و چند سال اخیر ندارد. با این اوضاع بسیاری افراد بیگار شده و این شغل کم کم مهجور شده و میلیون‌ها دلار ارزش افزوده صادرات فرش نیز از دست می‌رود. به داد قالیبافی و شافلان آن برسید.

یعقوبی از تبریز
آب شرب ورفسنجان همچنان گل آلوداست
آب شرب ورفسنجان بعد از سیل فراگیر همچنان گل آلود است و این نگرانی هست که در صورت رفع نشدن مشکل باعث شیوع بیماری شود.
تامین آب معدنی هم برای چند روز در این شرایط اقتصادی کار سختی است تقاضای شود هر چه سریع‌تر مشکل آب شرب شهر حل شود و آب شهر قابل شرب و استفاده برای شست‌وشو شود.

	
پیامک	<div><div></div><div><div>ارسال پیام کوتاه خوانندگان</div></div></div> <p>۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶</p>

همتی برای تکمیل آژادراه تبریز – مرند نیست؟
با تکمیل آژادراه تبریز – مرند (کریدور شرق به غرب) ارتباط راحت و امن تجاری کشورمان با ترکیه و اتحادیه اروپا برقرار می‌شود که در این صورت نیز تصادفات کاهش خواهد یافت.
اما تاکنون همتی برای تکمیل آژادراه نیمه کاره تبریز – مرند دیده نشده و به‌نظر می‌رسد قرار نیست این پروژه تکمیل شود.
لطفاً به ضرورت تکمیل این آژادراه توجه جدی شود.

جلیل زاده از تبریز
ماه پنجم سال و همچنان بلاتکلیفی حقوق بانزئیستانگانه بنده ۱۴سال قبل بازنستسته شدم و پدر مرحومم نزدیک به ۵۰سال پیش بازنستسته شده بود و من هرگز به یاد ندارم که در ماه پنجم سال پاشیم و تکلیف حقوق‌های بانزئیستانگانه تامین اجتماعی ناشخص باشد. مگر در کمسیون مجلس افزایش حقوق در همه سطوح تصویب نشد؟ مگر رئیس مجلس به دولت نامه ننوشت؟ مگر این همه در اختیار و بوق و کرنا نشد؟ چرا تاکنون هیچ اقدامی صورت نگرفته و چرا مجلس پیگیری مصوبات و نامه ریاست مجلس را انجام نمی‌دهد؟ حالا هم که دولت به هیأت امنای تامین اجتماعی با حضور چند وزیر که از اول هم همان تصمیم‌گیری را گرفته بودند، برای تصمیم‌گیری تفویض اختیار دادند. استدعا دارم هر چه زودتر برای نجات حادقلی از این گرانی‌ها وضعیت حقوق بانزئیستانگان تامین اجتماعی هر چه سریع‌تر لااقل از سوی مجلس پیگیری شود.

	<div><div></div><div><div>محمدحسین عسگری</div></div></div>
----------------------------	--

<p>با نهایت تاسف، درگذشت شادروان علی باقری را به اطلاع کلیه دوستان و آشنایان می‌رساند. به همین مناسبت مجلس یادبودی در روز پنجشنبه ۱۳۰۱/۰۵/۱۴ بعد از ظهر برگزار می‌گردد.</p> <p>از طرف خانواده</p> <p>تسلیت</p> <p>خاندان محترم اخوان</p> <p>با نهایت تأسّف و تأثر، درگذشت برادر گرامیتان جناب آقای قاسم اخوان را تسلیت عرض نموده ، از درگاه ایزدمنان برای آن مرحوم علو در جات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نمایم.</p> <p>گروه صنعتی کبیر</p>
<p>انالله و انا الیه راجعون</p> <p>جناب آقای</p> <p>مهندس حمیدرضا مینائی</p> <p>درگذشت مادر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند منان برای ایشان طلب آرمزش و برای شما تسلی خاطر خواستاریم.</p> <p>از طرف مدیریت و پرسنل شرکت خاکرود</p>
<p>اصلاحیه</p> <p>پیرو انتشار آگهی سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۱۴ به اطلاع می‌رساند شماره مناقصه چاپ شده در آگهی مذکور ۱۳۰۱/۱۲۰۱۲۰۱ موضوع نیز «تامین نصب و راه‌اندازی ویدئووال مرکز عملیات سازمان فاوا» می‌باشد که بدین وسیله اصلاح می‌گردد. جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد مناقصه می‌توانید به نشانی الکترونیکی https://www.tehran.ir مراجعه نمایید.</p>

بخشش قاتل در روز عاشورا

وقتی عزاداران حسینی در روز عاشورا به خانه مقتول رفتند تا برای بخشش قاتل پادرمیانی کنند، خانواده مقتول تصمیم بزرگی گرفتند و از قصاص قاتل عزیزشان گذشتند.

به گزارش همشهری، این اتفاق ظهر روز عاشورا در شهر آزندریان ملایر در استان همدان رخ داد. آن روز عزاداران حسینی تصمیم گرفتند برای پادرمیانی و وساطت به همراه امام‌جمعه شهر، راهی خانه جوانی شوند که ۵سال پیش در جریان یک درگیری پیش‌با افتاده به قتل رسیده بود و قاتل که ناخواسته مرتکب قتل شده و از ارتکاب این جنایت به‌شدت پشیمان بود، در انتظار اجرای حکم قصاص اش بود.

اهالی شهر، خوب به‌خاطر داشتند که روز حادثه‌چطور دعوی جوان ۳۰ساله که پدر ۴فرزند بود با جوانی ۲۰ساله ناگهان به‌زدو خورد کشیده شد و در این میان جوان ۲۰ساله ناگهان روی زمین افتاد و پس از انتقال به بیمارستان جانش را از دست داد. در آن زمان قاتل بلافاصله از سوی پلیس دستگیر شد و در همان بازجویی‌های اولیه به درگیری با سبوی اعتراف کرد و مدعی شد که هرگز قصد قتل جوان ۲۰ساله را نداشته و ناخواسته مرتکب جنایت شده‌است. او پس از آن صحنه قتل را بازسازی کرد و وقتی پای میز محاکمه قرار گرفت، به جرمی که مرتکب شده بود اقرار و از خانواده مقتول طلب بخشش کرد اما خانواده مقتول که در این حادثه جگر گوشه‌شان را از دست داده بودند، حاضر به گذشت نشدند و به این ترتیب حکم قصاص قاتل صادر شد.

جوان ۳۰ساله به زندان افتاد و در این میان تنها امیدش گذشت خانواده مقتول بود. اما وقتی حکم قصاص در دیوانعالی کشور تأیید و برای اجرا

مهتاب کوچولو نجات‌بخش ۱۱ بیمار شد

«فرزند عزیز و از دست دانش ناگوار است؛ اما وقتی گفتند مهتاب دیگر به زندگی بر نمی‌گردد با خودمان نیازمند اعضای بدن او را اهدا کنیم.» این بخشی از حرف‌های پدر دادگار دختر خردسال است که چند روز قبل در یک سانحه رانندگی دچار مرگ مغزی شد اما با تصمیم پدر و مادرش اعضای بدن او به ۱۱ بیمار نیازمند اهدا شد و جان آنها را نجات داد.

به گزارش همشهری، عصر روز چهارم مردادماه اسمال خانواده ۴نفره موسوی تصمیم گرفتند برای گردش و تفریح به پارک در ماهدشت کرج بروند. سیده مهتاب، دختر خردسال خانواده که چون شش‌زادگی برای رسیدن به پارک داشت جلوتر از پدر و مادر و برادرش راه می‌فت، وقتی از ماشین پیاده شدند آغری در حال عبور از عرض خیابان بودند که ناگهان یک پراید با سرعت از راه رسید و چون آنها را دید ناگهان ترمز کرد. در این بین مهتاب ترسید و جلوی ماشین دوید و همین اتفاق باعث شد که پراید به شدت با او برخورد کند.

دخترچه جلوی چشمان پدر و مادرش غرق در

حوادث

حضور و پادرمیانی عزاداران حسینی در خانه مقتول، اتفاق بزرگی را رقم زد



حجت‌الاسلام روح‌الله نجفی، مدیر اداره تبلیغات اسلامی شهرستان ملایر، با اشاره به این اتفاق از زشمند در محرم امسال در شهرستان ملایر، گفت: خانواده مقتول با اقدام انسان‌دوستانه علاوه بر غم قاتل، زمینه ترویج فرهنگ گذشت و ایثار را در جامعه فراهم کردند. امیدواریم این امر خیر فتح‌یابی باشد که مجددا شاهد این قبیل موارد باشیم.

شد تا اینکه گفتند او دچار مرگ مغزی شده است. این پدر دادگار درباره تصمیم خود و همسرش برای اهدای اعضای بدن مهتاب می‌گوید: همسرم از مدت‌ها قبل برای خودش کارت اهدای عضو گرفته بود و اطلاعات زیادی در این باره داشت. به من هم گفته بود کارت اهدا بگیرم اما من می‌گفتم به مرگ فکر نکن. در بیمارستان به ما گفتند مغز دخترم از کار افتاده و تا چند روز دیگر سایر اعضای بدنش هم از کار می‌افتد و بهترین کار این است که اعضای بدن او را به بیماران نیازمند اهدا کنیم. ما هم گفتیم اگر مطمئن هستیم که او دیگر به زندگی بر نمی‌گردد، اعضای بدنش را اهدا کنید و به این ترتیب او را به بیمارستان سیاهی تهران انتقال دادند و هر عضوی از بدنش که قابل اهدا بود جداسازی و به بیماران نیازمند اهدا شد. او ادامه می‌دهد: آنطور که به ما گفتند ۱۱ عضو او شامل قلب، کلیه‌ها، کبد، پانکراس، فرنیه چشم و … جداسازی و اهدا شد. حالا هرچند من و همسر من تنها دخترمان را از دست داده ایم اما از تصمیمی که گرفتیم راضی هستیم. دخترم رفت و مطمئن هستم که جایش در بهشت است. من و مادرش دلتنگ او هستیم اما به کاری که کردیم افتخار می‌کنیم. فرزند عزیز و از دست دانش ناگوار است اما وقتی گفتند مهتاب دیگر به زندگی بر نمی‌گردد با خودمان گفتیم بهتر است به جای اینکه اعضای بدنش زیر خاک برود برای رضای خدا و نجات بیماران نیازمند اعضای بدن او اهدا کنیم.

بود. او ادامه می‌دهد: وقتی پزشکان دخترم را معاینه کردند گفتند ضربه سنگینی به سرش وارد شده و هوشیاری اش ۴ است. با این حال ۵شبهانه روز برای نجات او تلاش کردند و امیدوار بودند تا دخترم به زندگی برگردد اما هرچه گذشت هوشیاری اش کمتر

مستأجرها سارق خانه از آب درآمدند

یک زن و ۲مرد اعضای باندی بودند که خانه‌های مجلل در شمال پایتخت را برای مدت ۳ساعت اجاره کرده و در این مدت نقشه سرقت وسایل باارزش خانه را عملی می‌کردند. به گزارش همشهری، تحقیقات برای دستگیری اعضای این باند از چند روز قبل با شکایت مردی جوان در پلیس پایتخت شروع شد. وی که یکی از آپارتمان‌های خود را به‌صورت میبله اجاره می‌داد به دام سارقان جاعل گرفتار شده و در توضیح ماجرای سرقت گفت: برای اجاره ساعتی آپارتمانم یک آگهی در سایت‌های مختلف قرار می‌دهم و افراد مختلف با من تماس گرفته و پس از آن قرار ملاقات با آنها می‌گذارم و پس از دریافت مدارک شناسایی، آپارتمانم را به‌مدت ۲۴ساعت به متقاضیان اجاره می‌دهم. وی ادامه داد: آخرین فردی که با من تماس گرفت مردی بود که می‌گفت اهل یکی از شهرستان‌هاست و یکی از بستگانش عمل جراحی قلب در یکی از بیمارستان‌های پایتخت دارد، به همین دلیل بود که می‌خواست به‌مدت ۲۴ساعت آپارتمانم را اجاره کند. او مدارکش را تحویل‌داد و من کلید خانه‌ام را در اختیارش قرار دادم اما گمان نمی‌کردم که او یک سارق حرفه‌ای باشد. وی ادامه داد: پس از گذشت ۲۴ساعت فردی که خانه‌ام را اجاره کرده بود تماس گرفتم تا مدارکش را به او بدهم و کلید را تحویل بگیرم اما جوابم نداد. نگران شدم و با کلید یکی که داشتم با در آپارتمان گذاشتم اما با دیدن وضعیت خانه شوکه شدم تا حدی که در چند ثانیه اول تصور کردم اشتباه وارد خانه شدم. هیچ وسیله‌ای در خانه‌ام نبود و وقتی به‌خودم آمدم متوجه شدم که همه وسایلم سرقت شده‌است؛ وسایلی مانند فرش‌ها، تلویزیون، خودرو را به میبل‌های راحتی و لوازم آشپزخانه.

دستگیری

با ثبت این شکایت، تحقیقات در این‌باره با دستور بازپرس شعبه اول دادسرای ویژه سرقت آغاز و با انجام بررسی‌ها مشخص شد فردی که خانه‌شاک را خالی کرده مدارک جعلی ارائه داده است. مأموران در ادامه تحقیقات، خود را به مقابل خانه شاکی رساندند و پس از بازبینی

همیشه برای

کوتاه از حادثه

پایان کلاهبرداری های زن شیاد با رسیدهای جعلی

زن کلاهبردار پس از شناسایی فروشنده‌گان در سایت خرید و فروش کالا در نقش خریدار وارد می‌شد و با رسیدهای جعلی دست به کلاهبرداری های میلیونی می‌زد.

به گزارش همشهری، راز کلاهبرداری این زن با شکایت یکی از مالباختگان در اداره آگاهی اصفهان فاش شد. شاکی گفت: یک روز قبل در حالی که قصد فروش ساعت هوشمندم به مبلغ ۵میلیون و ۵۰۰هزار تومان را داشتم، عکس آن را در سایت دیوار منتشر کردم و ساعتی بعد بذنی تماس گرفت و گفت که قصد خرید ساعت را دارد.

وی ادامه داد: با این زن بر سر قیمت به توافق رسیدیم و او گفت تا چند دقیقه دیگر به مقابل خانه‌ام می‌آید که ساعت را بخرد. حداقلی بعدزن جوانی زنگ خانه‌مان را زد و گفت که خریدار ساعت است و من هم ساعتت را به همراه کارت ن و وسایل دیگرش به او دادم. این زن شماره کارت عابربانکم را گرفت و گفت که از طریق موبایل بانک مبلغ را وارز می‌کند و لحظاتی بعد رسیدی روی صفحه گوشی‌اش ظاهر شد که نشان می‌داد ۵میلیون و ۵۰۰هزار تومان به‌حساب من واریز شده است.

شاکی گفت: با اینکه هنوز پیامکی برابم نیامده بود، اما با دیدن رسیدی باور کردم که پول به حسابم واریز شده و به‌دلیل اینکه زن جوان می‌گفت پولش شاکی فردی بود که برای فروش یک دستگاه کنسول بازی به مبلغ ۵میلیون و ۵۰۰هزار تومان در سایت خرید و فروش کالا آگهی داده بود وزن جوان در نقش خریدار به سراغ وی رفته و پس از نشان دادن رسید جعلی واریز پول به‌حساب شاکی، کنسول بازی را از او گرفته و فراری شده بود.

بررسی هر دو شکایت و مشخصات زن کلاهبردار نشان می‌داد که متهم یک نفر است و این یعنی احتمال دارد که به قرار گرفت. این‌بار شاکی فردی بود که برای فروش یک دستگاه کنسول بازی به مبلغ ۵میلیون و ۵۰۰هزار تومان در سایت خرید و فروش کالا آگهی داده بود وزن جوان در نقش خریدار به سراغ وی رفته و پس از نشان دادن رسید جعلی واریز پول به‌حساب شاکی، کنسول بازی را از او گرفته و فراری شده بود.

بررسی هر دو شکایت و مشخصات زن کلاهبردار نشان می‌داد که متهم یک نفر است و این یعنی احتمال دارد که به کلاهبرداری‌هایش ادامه دهد. در این شرایط تحقیقات برای ردگیری او ادامه یافت تا اینکه کار آگاهان موفق به شناسایی مخفیگاه وی شدند و او را در یک عملیات ضربتی دستگیر کردند. سرهنگ حسین نیکبان، رئیس پلیس آگاهی استان اصفهان با بیان این خبر گفت: متهم پس از انتقال به اداره آگاهی به فرزندخواندگاری از طریق آگاه رسید جعلی به فرزندخواندگان اجناس اعتراف کرد و گفت مدتی پیش با افرادی آشنا شده و آنها نرم‌افزاری را به او معرفی کردند که با وارد کردن شماره کارت و مبلغ در آن، یک رسید جعلی ارائه می‌دهد که قابلیت ارسال به دیگران را دارد. وی افزود: متأسفانه کلاهبرداری با استفاده از رسیدساز جعلی یکی از شگردهایی است که تاکنون افراد زیادی را قربانی کرده، حال آنکه برای گرفتارنشدن در این دام یک راه‌حل بسیار ساده وجود دارد. فروشنده‌گان باید هنگام انجام هر گونه معامله، ابتدا از طریق پیامک یا چک‌کردن حسابشان از طریق موبایل‌بانک از واریزشدن پول به حسابشان مطمئن شوند و بعد کالا را در اختیار مشتری قرار دهند یا همین روش ساده می‌توان از کلاهبرداری‌های زیادی جلوگیری کرد.

درخواست کمک زن افغان در دادسرای جنایی تهران

شوهرم در پاکستان گروگان است

«شوهرم را در مرز ایران و پاکستان گروگان گرفته‌اند و اگر پول به حساب گروگانگیران واریز نکنم جانش را می‌گیرند» این بخشی از گفته‌های زنی افغان است که برای آزادی شوهرش از بازرس جنایی تهران درخواست کمک کرد.

به گزارش همشهری، زن جوان وقتی در دادسرای جنایی تهران مقابل قضی حمیدرضا رسیمی، بازپرس شعبه بازدم قرار گرفت، گفت: من در افغانستان معلم بودم و به همراه شوهر و فرزندانم در شهر مزار شریف زندگی می‌کردیم. شوهرم افسر ارتش بود اما بعد از ورود طالبان گفت که بهتر است افغانستان را ترک کنیم. او پیشنهاد کرد که خانواده ما را به ایران بیایم و من هم قبول کردم.

وی ادامه داد: اواخر سال گذشته به همراه شوهرم و فرزندانم خودمان را به مرز رساندیم و با پرداخت پول به قاچاقچیان از مرز گذشتیم اما باید مسیری طولانی را با پای پیاده طی می‌کردیم و چون چپه‌ها همراهشان پول به حساب آمد، زمان بیشتری طول می‌کشید.

حدود ۱۵ روز از میسان کوه‌ها و مسیرهای صعب‌العبور پیاده گذشتیم تا به نزدیکی مرز ایران و پاکستان رسیدیم. فکر می‌کردیم وارد ایران شده‌ایم و دیگر سختی‌ها تمام‌شده‌ام اما در پاکستان افراد مسلحی ما را گروگان گرفتند. آنطور که من متوجه شدم تعدادی از گروگانگیران را باقیمانده‌های گروه تروریستی ریگی بودند. به‌جز ما خانواده‌های دیگری نیز بودند که آنها را هم گروگان گرفتند. آدم‌ربایان مسلح، ما را داخل اتاق‌هایی که از بلوک سیمنی ساخته شده بود حبس کردند. ابتدا تمامی پول و وسایل قیمتی ما را سرقت کردند و بعد از ما خواستند تا با بستگلمان تماس بگیریم و برای آزادی‌مان درخواست پول کنیم اما ما هیچ‌کس را نداشتیم. وی گفت: آروز آنجا بودیم-م در این مدت تعدادی از گروگان‌ها که خانواده‌هایشان پول به حساب آمد،ربایان واریز کرده بودند، آزاد شدند اما ما و تعداد دیگری که هنوز پولی پرداخت نکرده بودیم را سوار خودرو کردند و به جای دیگری بردند و در آنجا هر خانواده‌ای را داخل اتاق حبس کردند. گروگانگیران مسلح شوهرم را شکنجه می‌کردند و ۹شبهانه روز ما را در آنجا نگاه داشتند. روزهای سختی را سپری کردیم تا اینکه در نهایت مرا آزاد کردند تا در ایران کار کنم و پولی را که می‌خواستند فراهم کرده و به حسابشان واریز کنم تا شوهرم را آزاد کنند. زن افغان گفت: با منتظ زیاد به ایران آمدم و در این مدت در خانه‌های مردم کار می‌کردم تا پول آزادی شوهرم را تامین کنم. مدتی قبل اما مردی که همراه شوهرم گروگان مردان مسلح بود پس از آزادی مرا پیندا کرد و گفت گروگانگیران قصد دارند به‌زودی شوهرم را به قتل برسانند. در این شرایط بود که تصمیم گرفتم که گروگانگیران شکایت کنم؛ هر چند آنها تهدید کرده‌اند که اگر شکایتی مطرح کنم جان شوهرم را می‌گیرند. با این شکایت، بازپرس جنایی تهران دستور تحقیقات بیشتر را صادر و موضوع را به پلیس بین‌الملل اعلام کرده تا تحقیقات برای شناسایی گروگانگیران و آزادی گروگان‌ها آغاز شود.